

چندی پیش سینه‌داری آلودگی در مشهدین به صورت هشتمی خوب کمونیت اوتیس برگزار شد در این سینه‌داری خبرکار ما محصلی بارنق نواری سپه‌نیا، دکترای تاریخ و کاندیدای دکتری اقتصاد و عضو انجمن علمی بررسی‌های خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی بررشی مصاحبه بعمل آورد. رفیق علاوه بر مباحث جنبش‌های رهایی بخش در آن معاصر توجه ویژه‌ای به مسائل ایران دارد و رویه‌های ایران را چه قبل و چه بعد از انقلاب به وقت تعقیب کرده است. خواننده‌گان ما بارنق توسط مقاله‌هایی که از وی به فارسی ترجمه شده است آشنا می‌باشند.

سوال: کنگره ۲۷ خوب کمونیت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که بیگانگی‌هاش غلطی در زندگی مردم شوروی در روند انقلاب جهانی ایفا خواهد کرد اخیراً برگزار شد لطفاً نظر خود را درباره مسائل مطرح در کنگره در ارتباط با کشورهای در حال رشد بیان فرمائید.
جواب: اهمیت تاریخی کنگره بیست و هفتم در میان مبارزه‌های رهایی بخش کشورهای در حال توسعه بیش از آنکه دارای محتوای فکری باشد از اهمیت استراتژیک برخوردار است. هنگامی که از رشد اتحاد شوروی صحبت می‌شود، می‌توان گفت که ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که جامعه نیازمند تغییرات ساختاری بنیادی می‌باشد و سعادت این تغییرات مناسب خواهد بود چون از نظر تاریخی جداً تغییر خواهد کرد و بعد از دستیابی به اهداف کنگره تعیین شده در کنگره امکانات ما برای تأثیرگذاری بر جنبش انقلابی در کشورهای در حال رشد به مرحله کجی فوئیدی از نظر کیفی خواهد رسید. ما در حال حاضر نیز به کشورهای که در راه رهایی ملی مبارزه می‌کنند از نظر اقتصادی کمک می‌کنیم ولی با ملاحظاتی باید گفت که امکانات واقعی ما محدود است و تمام ناشدنی نیست.

ما باید وظیفه اصلی مان را در میان جنبش‌های انقلابی بین المللی در نظر داشته باشیم. ما بعنوان اولین کشور سوسیالیستی باید که امکان ثابت کنیم که به کف‌گیری قدرت در سال ۱۹۱۷ چه دست‌آورد‌هایی داشته‌است. ما این امر را به خلق خود اثبات کرده‌ایم. لیکن باید این امر را به تمام جهان اثبات نمود. این واقعیتی است که زحمت‌کنان و کارگران کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته با علاقه زیاد (در چه با احتیاط معنی) به آزمون ما می‌نگرند. ما با انجام وظیفه تاریخی خود باید ثابت کنیم که این تنها نه یک آزمون بلکه قانونمندی تاریخی است و سوسیالیسم در میان سرمایه‌داری هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی اجتماعی‌ترایی زیادی دارد. ما هنوز وظایف خود را در این زمینه کاملاً به انجام نرسانده‌ایم. بازدهی کار (بازآوری کار) در جامعه اگر خوب می‌باشد، حدود ۶٪ هم میزان مشابه در آمریکا می‌باشد. به حال من می‌خواهم دوباره تکرار کنم که اگر ما موفق بشویم و "ما موفق خواهیم شد"، وظایف کنگره ۲۷ تعیین شده در کنگره ۲۷ را در جامعه به انجام برسانیم، به مرحله عالی‌تری در مناسبات با کشورهای در حال رشد دست خواهیم یافت. البته این امر بدون معنی نیست که مادرت روی دست گذاشته و به انتظار من نشینم تا سندی حل شود پس از آن به سندی دیگری آدریم. چند روز قبل مصاحبه رفیق گریباچف با روزنامه الجزایری "انقلاب آفریقا" منتشر شد. در پاسخ به یکی از سوالات رفیق گریباچف گفت "کلیک به جنبش‌های رهایی بخش امروزه از مهمترین وظایف اتحاد شوروی به شمار می‌آید".

سوال: دموکراسی انقلابی در کشورها در حال رشدی که دارای برتری نسبی سرمایه داری هستند چه نسبتی با نظام کهنه

در این کشورها دموکراسی انقلابی دارای نقش بسیار مهمی می باشد معذالک این نقش با نقش وی در کشورهای با سرمایه داری متفاوت است. در کشورهای دارای ستمگری سوسیالیستی این نیروها همراه با نیروهای رهبری می باشند. این نیروها در این کشورها یکی از نیروهای واقع در مجموعه نیروهای انقلابی چپ می باشند. نهان توان (پتانسیل) نیروهای انقلابی در این کشورها زمانی می تواند کاملاً افزایش یابد که بین این نیروها با نیروهای دیگر چپ از جمله کمونیستها اتحاد و پیوندی محسوس و عمیق بگوشاید. این امر در مورد کمونیستها نیز صادق است. برای کمونیستها نیز اتحاد با انقلابیون دموکرات ابدی امری ثانوی و فرعی نمی باشد. با توجه به مرحله تاریخی کنونی نه این نیرو و نه آن نیز نمی توانند به تنهایی بدون حمایت یکدیگر (البته نه صرفاً) کمک تألیف بلکه استراتژیک) در مبارزه علیه سرمایه داری پیروز شوند. تجربه همه کشورهای این امر را ثابت می کند. نظیر مثال در بلغارستان نیروهای دموکرات انقلابی در اواخر دهه ۲۰ قدرت را بدست گرفته اند و استاسولیک رهبر حزب انقلابی دهقانان بود. کمونیستها اتحاد با وی را غلط ارزیابی کرده، او را حمایت نکردند تا ششم این جنبش را بعداً از بین برد. بدینال آن هنگامی که کمونیستها در سپتامبر سال ۲۱ تیبایی را آغاز نمودند، آرنایز مجبور به تحمل شکست شدند و مجبور شدند ۲ دهه مبارزه مخفی را تجربه نمایند. مبارزه ای که نهایتاً به اتحاد همه نیروهای مترقی در طول جنگ ددم جهانی و پیروزی مشترک بر نازیسم انجامید و اکنون نیز در شرایط سوسیالیسم آنها یعنی هم کمونیستها و هم همان فوب دهقان سابق مشترکاً دولت را اداره می کنند و در رأس آن قرار دارند. البته اشکال این اتحاد دموکراسیهای مختلف متفاوت خواهد بود. هر کشوری دارای امکانات رشد و تجارب خود می باشد بدین معنی که در همکاری میتواند انتظاف زیادی داشته بهم آنست که در مبارزه علیه دشمن مشترک همکاری با همه صورت اتحاد یا به داری باشد و متعاقب آن می توان به چشم انداز سوسیالیستی دست یافت.

سوال: جنبش اسلامی در دهه اخیر اوج نوین گرفته است بنظر شما این جنبش در رابطه با راههای ملی و مخصوص راههای اجتماعی از چه پتانسیل برخوردار است.

ابتدا مستحق گویم که در مورد جنبش اسلامی بگویم. بنظر من او یکگیری سنگلری در کشورهای اسلامی جنبش های اسلامی نشان دهند قدرت سنگلری می باشد بلکه واکنشی شدیداً اوج گرفته در قبال تضعیف نیروهای سنتی می باشد. ظهور مثال توسط نفوذ سرمایه داری می باشد. آرایران را مدنظر بگیریم بخاطر رشد سریع سرمایه داری در زمان شاه و واکنش به این مشکل بروز کرد. بنظر من از نظر تاریخی جهانی (گلوبال) جنبش اسلامی دورنمای وسیعی ندارد. اما در مرحله کنونی این جنبش نقش بزرگی را ایفا می نماید. بر چه این نقش در کشورهای مختلف بصورت گوناگونی بروز می نماید. در صورتیکه شرایط موفقیات هستیم هرگز نباید این جنبش را نادیده بگیریم. در تک تک کشورهای نیز یک جنبش واحد اسلامی وجود ندارد و اشکال مختلفی از اسلام عرضه می گردد. شما می دانید که اسلام داریم که ۱۰۰٪ سنتی بنیاد را می باشد اسلام محافظه کار در نورمیت هم وجود دارد. در اسلام حتی رأیات انقلابی نیز آنها در بین رهبران وجود دارد. شما همماً بخاطر آدریه که ظالمانی فتنه مطامع بسیار مته می داشت اگر او در رأس جنبش می بود

ایران مسیر دیگری می داشت . و وظیفه انقلابی آنست که نه تنها جریانهای بزرگ بلکه جریانهای کوچک و حتی کوچکترین آنها بر روی و قیام نیر شوند تا نیروی انقلابی بتواند تسخیرش دهد و انقلاب کند که چه نیروی هزرم واقعی در جنبش می باشد و چه نیروی به دلیل تاکتیک می تواند همراه باشد و چه نیروی به دلیل اصول اصلاً نمی تواند همگام باشد هر منظر از اینها شخصاً نسبت به این نیروها چه نظری داشته باشیم .

سوال لفظاً در ارتباط با سیاست و نقش امپریالیسم آمریکا در حاکم ایران و عراق نظر خود را بنویسید .

بنظر من این مناقشه هر چه بزرگی به امپریالیسم آمریکا می باشد ، اگر در تابع را مورد کنیم می بینیم که دو کشور مرکزی منطقه که مورد هراس منی معینی را در منطقه دارا بودند از سیاست منطقه عملاً خارج شده اند آنها در واقع به خود مشغول هستند و امپریالیسم و مانورهایش در منطقه محدود و دست نمی زند . امپریالیسم ذاتاً علاقه مند است که این وضع تا آنجایی که امکان دارد حتی ای ال ای پایدار بماند . چندی پیش من صحبتی با یک پروردگار آمریکایی از اینستیتی بروکین داشتم این اینستیتو با دیار تهران دولتی و CIA مواضعشان را تکمیل و ارائه می دهند . او به من چنین گفت : " ما به رهبری دو تهران توصیه می کنیم که حالت تعادل را حفظ کند . به این معنی که در صورت تضعیف عراق و تحویل مکتبهای از برای آن ، باید به عراق کمک کرد که عدم مناسبات مستقیم دیپلماتیک این امر مشکل است . در مقابل آن ایران تضعیف شود و شکست بخورد باید به ایران کمک کرد "

اگر توجه کنیم می بینیم که در همین وحامت مناسبات ایران و ایالات متحده یک سوم نفت صادر از برای ایران توسط ایالات متحده خریداری می شود و وسائل نیز که تکلیف نظامی به انجام مختلف گرچه نه مستقیماً فوضه به ایران فوضه می شود . بنابراین یک مناقشه دائمی در جهت منافع ایالات متحده می باشد هم از نظر اقتصادی و هم از نظر حفظ حضور نظامی خود در منطقه . من معتقدم که اتحاد شوروی نه تنها به این دلیل خواستار قطع هر چه بر بقر این مناقشه می باشد . این قواست بیشتر از آنجا ناشی می شود که این مناقشه نه با منافع ملی ایران و نه با منافع ملی عراق و نه مصالح دیگر کشورهای واقع در منطقه سازگار می باشد . البته با استثنای عربستان سعودی که امروز با خارج شدن دو کشور مهم دیگر از دور نقش مهمی را در منطقه انجام می کند

— بنام «الترتیب» روزنامه ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (الترتیب) در خارج از کشور از شما تشکر می‌کنم. درخاسته خواهشمند است در صورتیکه پیام برای مردم، «فدائیان خلق» (الترتیب) و همگونی‌ها را ایران دارید بفرمائید.

من فقط می‌توانم کوتاه بگویم که این نیروی واقعی و دوگانه انقلابی ایران نیروی است که نسبت به آن سهمی زیادی احساس می‌کنم. البته من میدانم که بین شما و کونیست‌ها تفاوتی در موضع نسبت به سوسیالیسم وجود دارد.

که البته تفاوتی اصلاً نیست که کارشکن باشند. به عنوان انسانی که در سراسر زندگی آگاهانه خود

به پیش‌قدمی خود پرداخته است می‌خواهم برایتان آرزو کنم که آموزش‌های انقلاب و ضدانقلاب ایران

را حقیقتاً مطالعه کنید و برای خودتان نتایج مربوطه را بپذیرید و برنامۀ علمی برای ارادۀ مبارزه تدوین کنید.

البته من نمی‌دانم چه وقت در ایران تحول مثبتی صورت خواهد گرفت و چه امید دارم که من هم زنده بمانم و شما نیز

البته زنده خواهید بود و شاهد آن خواهید بود. فراموش نکنید تحولات کل جهان در حال حاضر بسیار سریع

می‌باشد. تاریخ برای شما فرصتی باقی نخواهد گذاشت و شما وقت زیادی ندارید تا راحت و آهسته به کت درآید.

من در این زمینه برای شما و هم‌زمانتان آرزوی موفقیت می‌کنم.